

احمد دهقان در ویژه‌نامه نمایشگاه کتاب «فرهیختگان» مطرح کرد

برخی

کتاب‌های خاطرات

تحریر جنگ است



بخش بین‌الملل نمایشگاه کتاب تهران ۲۹ غرفه دارد اما...

مصلی میهمان خارجی ندارد

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

کتاب‌های یکی از مؤثرترین و دیرپاترین وسایل ارتباطی و معرفی فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر هستند. مردم‌زیسته در یک محدوده جغرافیایی از طریق مطالعه کتاب‌های توانند با فرهنگ‌های مختلف آشنا شوند. حال اگر بخواهیم در مختصات نمایشگاه کتاب تهران به این موضوع مهم نگاه کنیم، باید برویم سراغ ناشران خارجی یا حداقل بخش بین‌الملل این رویداد را بررسی کنیم. این دوره از نمایشگاه کتاب تهران، به نسبت دوره‌های پیشین می‌توانست با دعوت و معرفی ناشران خارجی سروشکل جذاب‌تر و پیشروتری به خود بگیرد اما بار دیگر این رویداد در اردیبهشت تهران به مصلی آمد که بعد از ۱۱ روز برگزاری تمام می‌شود و بخش بین‌الملل جزء کم‌اعتناترین بخش‌ها خواهد بود. به گفته علی رضائی، قائم‌مقام نمایشگاه‌ها و پنجم کتاب تهران، ۲۵ کشور میهمان این دوره از نمایشگاه کتاب هستند. اعم از ناشران سفارتخانه و انجمن دوستی در این دوره از نمایشگاه حضور دارند. اما طبق بررسی «فرهیختگان» از بخش بین‌الملل، غرفه‌های حاضر در این بخش ۲۹ غرفه است و حدود ۱۰ کشور هم حضور دارند. البته در بخش ناشران خارجی، ناشران از کشورهای بیشتری حضور دارند اما در این گزارش فقط تمرکز ما روی بخش بین‌الملل است که اگر به صورت دقیق‌تری به آن توجه می‌شود، اثرات مثبتی در فرآیند دیپلماسی فرهنگی داشت. این ۲۹ غرفه شامل رایزنی‌های فرهنگی برخی کشورها، سفارتخانه‌ها، برخی ناشران خارجی که به جای سالن ناشران خارجی در این بخش حضور دارند و همچنین برخی از سازمان‌های فرهنگی دولتی که در حوزه بین‌الملل فعالیت‌هایی دارند.

غرفه فلوشیپ تعطیل است؟

اوایل اردیبهشت اسامال یاسر احمدوند از برگزاری یک فلوشیپ ادبی همزمان با نمایشگاه

کتاب تهران خبر داد و گفت: «در این دوره حدود ۱۸ ناشر و کارگزار ادبی (آژانس‌های ادبی) منطقه که در موضوع گزنت فعال هستند، به نشست پیش‌جلسات فلوشیپ تهران در نمایشگاه کتاب دعوت شدند.» او با تأکید بر اینکه این اقدام برای نخستین بار در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران انجام خواهد شد، گفته است: «در نتیجه این نشست، پاییز اسامال نخستین دوره فلوشیپ تهران را برگزار خواهیم کرد.» معاون فرهنگی وزیر ارشاد، درباره تخصصی‌گزنت در این دوره از نمایشگاه بین‌المللی کتاب گفته بود: «برونده تعدادی از کارگزار ادبی‌های ادبی تشکیل شده است و می‌توانند از امکانات گزنت استفاده کنند.» اما با گذشت سه روز از برگزاری نمایشگاه، همچنان بخش فلوشیپ آماده نیست، حتی ذکر آن هم آماده نشده و اسمی هم برای این بخش در بیرون غرفه در نظر گرفته نشده است.

آژانس‌های ادبی شوخی نیستند

آژانس یا بنگاه ادبی نهاد یا موسسه غیردولتی، فرهنگی و حقوقی متشکل از کارشناسان فرهنگی، ادبی، نشر و حقوقی است. این نوع فعالیت ادبی به عنوان حلقه واسطه خلق و تولید اثر در چرخه نشر عمل می‌کند. به عبارت دیگر، آژانس ادبی از طرف ناشران، نویسندگان و مترجمان نمایندگی و وکالت دارد تا آثار آنها را به ناشران در داخل و خارج معرفی و عرضه و آنها را در فروش کمی‌رایت اثر یا آثارشان کمک کند. هر آژانس ادبی از همکاری عامل‌های مختلف بهره می‌برد که کارشناس در تالیف، ترجمه، ویراستاری، نشر، بازاریابی و مسائل حقوقی هستند. اکثر نویسندگان و مترجمان حرفه‌ای در کشورهای مختلف برای اینکه ذهن و روحیه لطیف و خلاق خود را درگیر کارها و دغدغه‌های اجرایی و حقوقی پیچیده چاپ، انتشار و توزیع کتاب نکنند، پیگیری امور مربوط در ارتباط با اثر یا آثار خود را به آژانس‌های ادبی می‌سپارند. از طرف دیگر تعامل با ناشران و دیگر عوامل تولید و توزیع کتاب، زبان گفت‌وگو و ادبیات خاص خود را دارد که بیشتر نویسندگان و مترجمان تخصص یا حوصله ورود و پیگیری این تعامل و استیفای حق خود را ندارند.

ضمناً در بیشتر کشورهای ناشران به طور مستقیم با نویسندگان یا مترجمان رابطه کاری ندارند و فقط از طریق آژانس‌های ادبی کمی‌رایت آثار را می‌خرند. در توسعه نشر بین‌الملل هر کشوری عناصر و عوامل مختلف نقش دارند که از جمله آنها آژانس‌های ادبی هستند. دایره فعالیت آژانس‌های ادبی پیش از آنکه به داخل کشورها محدود شود، فراموشی بین‌المللی است. در اکثر قرارداد‌های همکاری که آژانس‌ها با نویسندگان و مترجمان می‌بندند، نویسنده و آثار او را در جهان معرفی و عرضه می‌کند. یکی از تخصص‌های ویژه آژانس‌های ادبی شناخت بازارهای مختلف نشر و قواعد و سازوکارهای آنها در کشورهای مختلف است. آژانس‌های ادبی با بررسی و احصای سلیقه و ذائقه مخاطبان و ظرفیت بازارهای نشر و شناسایی و ارزیابی قابلیت و توانمندی ناشران کشورهای مختلف نسبت به برقراری ارتباط و ورود و حضور در این بازارها برنامه‌ریزی می‌کنند. آنها با ایجاد روابط حرفه‌ای و کاری با عوامل نشر در جهان، آثار نویسندگان و مترجمان کشور خود را در جهان معرفی و عرضه می‌کنند و با توفیق در فروش کمی‌رایت تالیف و ترجمه آثار به نوبت موجبات گسترش دایره مخاطبان آثار مکتوب کشور خود را توسعه و ارتقای اقتصاد نشر کشور را فراهم می‌آورند. در این دوره از نمایشگاه فقط سه آژانس ادبی حضور دارند، آژانس ادبی مینا، آژانس ادبی سلجوق و آژانس ادبی صبا، جاعلی پور مدیر بخش بین‌الملل نمایشگاه در گفت‌وگویی که با بنسپم داشته درباره حضور آژانس‌های ادبی در این دوره نمایشگاه گفته است: «اما اسامال از مجموع آژانس‌های علاقه‌مند به شرکت در نمایشگاه کتاب تهران خواستیم تا حضورشان را قاعده‌مند کنند. بر این اساس آژانس‌های ادبی فعال یا مجموعه‌ها تک‌منظوره توزیع کتاب در حوزه بین‌الملل باید قاعده کارگزاری ادبی را پذیرفته و مجوز رسمی فعالیت دریافت کنند. در این زمینه سه آژانس ادبی موفق شدند مراحل اولیه تکمیل فرآیند ثبت‌نام در دریافت مجوز را طی کنند و عملاً به نمایشگاه کتاب تهران راه یافتند. آژانس ادبی دایره مینا، آژانس ادبی سلجوق و یک آژانس ادبی دیگر.» جاعلی پور در پاسخ به این پرسش که آژانس‌های ادبی که این قاعده کارگزاری

ادبی را پذیرفتند و مجوز رسمی دریافت نکردند، اکنون در نمایشگاه حضور دارند، یا خیر، گفت: «ما اصل حضور آژانس‌های ادبی را پذیرفتیم و تلاش می‌کنیم که فعالیت‌ها را رسمی کنیم، در این دوره آژانس‌های دیگر غرفه ندارند، اما ما به شدت علاقه‌مندیم آنها هم با دریافت مجوز در نمایشگاه حضور پیدا کنند.» سه سال از اقدامات این دولت در حوزه فرهنگ گذشته است اما هنوز در بخش ترجمه و اقداماتی که باید در این حوزه انجام بگیرد، با ما و اگر صحبت می‌شود، گزنت از آن چیزهایی است که در این سال‌ها زیاد در موردش صحبت کردیم و حتماً در نمایشگاه‌های کتاب این موضوع جدی‌تر می‌شود. اما اقداماتی که در این زمینه انجام می‌پذیرد، اغلب در قالب کار اداری موسسات دولتی است که بیشتر نقش معرفی آثار ایرانی در کشورهای خارجی را دارند و برای واگذاری و فروش حق تالیف و ترجمه کتاب‌ها به ناشران خارجی تلاش نمی‌کنند. کتاب‌هایی که در ایران توسط موسسات دولتی ترجمه و چاپ می‌شوند معمولاً اجازه ورود به شبکه توزیع در کشورهای خارجی پیدا نمی‌کنند و بیشتر در کتابخانه‌های رایزنی‌های فرهنگی خارج از کشور انبار می‌شوند یا به بعضی موسسات دولتی یا کرسی‌های ایرانی‌شناسی و کتابخانه‌های دولتی اهدا می‌شوند. سال‌ها از برگزاری نمایشگاه کتاب می‌گذرد اما هر چند جلوتر می‌رویم مسئولان برگزاری در بدیهیات اجرا و ساماندهی بخش‌های مختلف لنگ می‌زنند. اینکه بخش بین‌الملل با غرفه‌های دولتی پر شود و فقط بگوییم، ناشران بین‌المللی حضور دارند! و غرفه‌ها خالی نیست نمی‌تواند به صنعت نشر و تعامل فرهنگی ماکمک کند. اگر اولین دوره‌های برگزاری نمایشگاه کتاب تهران ازملاک قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که چقدر آن نمایشگاه در بخش بین‌الملل و همین‌طور حضور ناشران خارجی اهمیت داشته است. نمایشگاه کتاب تهران یکی از پدیده‌های مهم فرهنگی در منطقه رفت توری دهنم، چندشم شده بود اما به تبعاتش می‌آزید. استاد با صدای بلند و هیجان انگیز گفت: «قوت‌یده، قورباغه‌ات را قورت بده.» قورباغه‌ام را قورت دام و صدای استاد را از لابه‌لای آواز قورقوت توی شکم می‌شنیدم که می‌گفت: «خودت را قورت بده. تاخت‌خوابت را مرتب کن. خودت باش پسر.» قورباغه‌ها داشتند کار دستم می‌دادند. باید هرچه سریع‌تر خودم را به سرویس بهداشتی می‌رساندم. ناگهان استاد داد زد: «چه کسی پذیر مراد زید؟» با گذاشتم به فرار و صدای استاد را می‌شنیدم که می‌گفت: «بیشعوری، بیشعوری.»

بخوان و بخند حمله قورباغه‌ها به نمایشگاه کتاب

منصوره رضایی
فعال حوزه کتاب

کتاب‌های انگیزشی همواره جزء بفروش‌ترین کتاب‌ها بوده‌اند و هستند و خواهند بود. در این یادداشت قصد داریم دلایل نفروشی این کتاب‌ها را بررسی کنیم اما قبل از آن باید به تعریف و تبیین مسأله انگیزشی بپردازیم. همان‌طور که می‌دانید واژه انگیزش مثل آمیزش و آموزش و ورزش و سایر کلمات ایش‌دار، مصدر است و در معنای ایجاد انگیزه به کار می‌رود. البته هر لغت‌شناسان که خواسته‌اند اسم و رسم‌شان مخفی بماند معتقدند کلمه انگیزش از ترکیب الف و نون به اضافه گیزش به وجود آمده که پیدا کردن معنی این فقره را به ذهن‌های پویا و فعال خودتان می‌سپاریم. انگیزش هم مثل هر عمل دیگری یک فاعل می‌خواهد و یک مفعول، یعنی یک آدمی باید انگیزش را بدهد و یک آدمی باید انگیزش را بگیرد و در زندگی، جاری و ساری کند. بنابراین مفعول انگیزش، فاعل کارهای خودشم هم می‌شود. خوب! بحث پیچیده شد و مجبورم مثالی بزنم. مثلاً من همیشه خدا در پی پولی دستم و با می‌زنم و آه ندارم که با ناله سودا کنم. آدم تپیل و فراختگی می‌نیستم و از صبح تا شب مثل چی می‌دوم و باز هم به عقب برمی‌گردم و حتی عقب به من برمی‌گردم اما یکی از دوستانم، پله‌های

پولداری و موفقیت را چندتا یکی طی می‌کند و قدم‌هایش آن قدر بلند است که مجبور است همیشه، چند شلوار زاپاس داشته باشد یا راستی! تفاوت او با من چیست؟ من که از هر لحاظ به او برتری دارم. با رتبه برتر در بهترین دانشگاه کشور قبول شدم و او در دانشگاه یالقرآباد سفلی درس خوانده. ضرب هوش من نشاند و شصت و شش است و او اصلاً هوش ندارد. من که همیشه در حال تلاش و فریب‌کردن رزومه هستم و او همواره در حال حال‌کردن و فریب‌کردن خودش. این فکرها مثل خوره، مغز را می‌خورد و شب و روزم را به خاک فنا داده بود. سرانجام تصمیم گرفتم بروم و از خودش بپرسم، چه طور می‌شود که این طور می‌شود؟ وقتی جوابش را شنیدم از خودم خجالت کشیدم که فکر می‌کردم راز موفقیت او بابای پولدار یا شوگردی است. (برهمگان واضح و مبرهن است که شوگر یعنی شکر و شکر هم ذرات قند است که با آن جای شیرین می‌کنند. اگر فکر دیگری کردید برایتان متاسفیم و توصیه می‌کنیم در اسرع وقت، مغزتان را بشویید.) یکی از روزهای فرودین که جیبم محل برگزاری مسابقه دو و میدانی شیش‌ها و سایر حشرات موذی شده بود و هیچ انگیزه‌ای برای زندگی نداشتم خیلی اتفاقی، دوست موفقم را در خیابان دیدم. داشتم با راننده تاکسی، چانه می‌زدیم که چرا ۵۰۰ تومان بیشتر گرفته و کم‌کم داشتیم دست به یقه می‌شدیم که دیدم یک ماشین خفن با

شناسی‌های بسیار بلند پایه بر اینم بوق می‌زند. اول فکر کردم مزاحم خیابانی است و اعتماد به نفس رفت بالا و مثل حسیب سریال لیسانسه‌ها با خودم گفتم: «از بین این همه آدم توی خیابون چرامن؟» اما چون می‌خواستم موقر و متین باشم اعتنایی نکردم و به راهم ادامه دادم. ناگهان دیدم راننده با الفاظ نه‌چندان ناشایستی خطابم کرد و گفت: «بیر با لایق.» بریدم بالا و از اینکه رفیقم را در آن حال و احوال می‌دیدم بغضم گرفت. مدیونید فکر کنید حسودی کردم، بغض خوشحالی بود. وقت را غنیمت شمردم و از دوستم رمز و راز موفقیتش را پرسیدم. دوستم عادت داشت کلمات مهم را بخش بخش ادا کند. بنابراین گفت: «راز موفقیت من فقط به چیزه. ان...گی...زه.» خودش بود. من همه چیز داشتم. فقط انگیزه نداشتم. از آنجایی که همه آدم‌های پولدار، یک شبه استاد و دکتر و مهندس می‌شوند به دوستم گفتم: «استاد! این انگیزه رو چه جوری به دست آوردی؟» لیکن خد نکند غرورآمیزی زد و گفت: «پس تو هم خبر داری که من استاد سخنرانی‌های انگیزشی شدم؟ راستش خواندن کتابای انگیزشی زندگی من روز از این رو به اون رو کرد. اتفاقاً الان هم دارم از می‌هایش انگیزشی برمی‌گردم و اصلاحاتم بالابردن انگیزه‌های مردم.» بعد صدای دورگه‌اش را پایین آورد و بواش گفت: «پیش خودمون بومونه، پول خوبی هم توشه.» به شدت